

بررسی ترکیبات شیمیایی و ارزش غذایی سرشاخه‌های گل محمدی در مقایسه با علوفه

یونجه با استفاده از روش‌های *In situ* و *In vitro*محمدرضا آذرزمزم^۱، امید دیانی^۲، رضا طهماسبی^{۳*} و امین خضری^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی علوم دامی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲- دانشیار بخش مهندسی علوم دامی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳- استادیار بخش مهندسی علوم دامی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

چکیده

این مطالعه به منظور تعیین ترکیب شیمیایی، قابلیت هضم، تجزیه پذیری و ارزش غذایی سرشاخه گل محمدی در مقایسه با علوفه یونجه با استفاده از دو روش *in situ* و *in vitro* انجام شد. داده‌های جمع‌آوری شده در قالب آزمون آماری *t-test* تجزیه آماری شدند. تفاوت معنی‌داری بین علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی از نظر ماده آلی، پروتئین خام، الیاف نامحلول در شوینده خنثی و عصاره اتری مشاهده شد ($P < 0.05$). میانگین تجزیه پذیری مؤثر ماده خشک و الیاف نامحلول در شوینده خنثی برای علوفه یونجه با سرشاخه گل محمدی متفاوت نبود. قابلیت هضم ماده خشک و ماده آلی علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی به ترتیب ۴۴/۲۹، ۴۸/۸۶ درصد و ۵۳/۳۰، ۵۲/۳۶ درصد بود که اختلاف معنی‌داری با یکدیگر نداشتند. حجم گاز تولیدی علوفه یونجه در مقایسه با سرشاخه گل محمدی تا ۲۴ ساعت انکوباسیون، به طور معنی‌داری بیشتر بود ($P < 0.05$). نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سرشاخه گل محمدی با توجه به ترکیب شیمیایی و کینیتیک هضم و تجزیه پذیری شکمبه‌ای دارای ارزش غذایی مناسب برای جایگزینی با بخشی از علوفه یونجه در جیره نشخوارکنندگان می‌باشد.

کلمات کلیدی: یونجه، سرشاخه گل محمدی، تجزیه پذیری، قابلیت هضم، خصوصیات فیزیکی

مقدمه

جیره‌های حاوی تفاله گل محمدی نسبت به یونجه خشک کاهش معنی‌داری داشت و ارزش غذایی نسبی در جیره‌ها زمانی که تفاله گل محمدی به ۵۰ درصد رسید روند کاهشی نشان داد (فضائی و زاهدی فر، ۱۳۸۴). هدف از انجام این تحقیق تعیین ارزش غذایی سرشاخه‌های گل محمدی بود.

مواد و روش‌ها

تهیه نمونه و تعیین ترکیب شیمیایی

نمونه‌گیری از ۳۰ سانتی‌متری سرشاخه‌های گل محمدی در ایستگاه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی کرمان واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شهر کرمان انجام شد و نمونه علوفه یونجه از چین‌های آخر مربوط به مرحله پایان گل دهی از مزرعه دانشگاه شهید باهنر کرمان تهیه شد که میزان ساقه‌های آن بالا بود. نمونه‌های یونجه و سرشاخه‌های گل محمدی بر اساس روش‌های مرسوم آزمایشگاهی با ۳ تکرار مورد تجزیه شیمیایی قرار گرفتند (AOAC, ۲۰۰۰). همچنین مقادیر لیاف نامحلول در شوینده خنثی و لیاف نامحلول در شوینده اسیدی بر اساس روش ون‌سوست و همکاران (۱۹۹۱) تعیین گردید.

تعیین قابلیت هضم به روش آزمایشگاهی (*in vitro*)

قابلیت هضم ماده خشک، ماده آلی و ماده آلی در ماده خشک با ۵ تکرار برای هر نمونه طبق روش دو مرحله‌ای تیلی و تری (۱۹۶۳) انجام شد. در این روش پس از آسیاب نمونه‌ها، مقدار ۰/۵ گرم از هر نمونه در یک ارلن مایر ۱۰۰ میلی لیتری ریخته شد. شیرابه شکمبه مورد نیاز در کشتارگاه، بلافاصله پس از کشتار از ۳ راس گاو نر تهیه گردید. شیرابه شکمبه با پارچه صافی پنیر طی دو مرحله صاف شده و در یک بالن شیشه‌ای ریخته شد. پیش از بستن در ظرف به داخل آن مقداری گاز دی‌اکسیدکربن (۲-۳ دقیقه) تزریق گردید و تا شروع عملیات هضم به صورت بی‌هوازی نگهداری شد.

برای تهیه بزاق مصنوعی از فسفات هیدروژن سدیم $Na_2HPO_4 \cdot 2H_2O$ ، بی‌کربنات سدیم $NaHCO_3$ ، کلرید سدیم $NaCl$ ، پتاسیم K_2HPO_4 و سولفات منیزیم $MgSO_4 \cdot 7H_2O$ (مکدوگال، ۱۹۴۸). نیم ساعت پیش از مرحله هضم بی‌هوازی یک میلی‌لیتر محلول ۴ درصد کلرید کلسیم $CaCl_2 \cdot 2H_2O$ (۵/۳ گرم) در

یکی از مشکلاتی که امروزه در جهان مطرح است تأمین غذا برای جمعیت رو به رشد آن است و در این راستا محصولات کشاورزی، که تأمین کننده منابع غذای انسان‌ها هستند، نقش قابل توجهی را دارا می‌باشند. این محصولات پس از برداشت و یا فرآوری دارای ضایعات بوده که برای انسان‌ها قابل استفاده نیست اما در تغذیه دام استفاده می‌شوند (آذرمزم و همکاران، ۱۳۸۹). خوراک‌های متعددی مانند پوست پسته، بقایای گلاب‌گیری، سرشاخه‌های درختان، پوسته بادام، تفاله سیب و غیره منابع دیگری در تغذیه دام می‌باشند که اصطلاحاً به آن‌ها فرآورده‌های جانبی گفته می‌شود (سیدمؤمن و همکاران، ۱۳۸۳). از طرفی مقادیر قابل توجهی از فرآورده‌های فرعی تولیدی توسط انسان مصرف نمی‌شوند و فرآورده‌های جانبی قابل استحصال به عنوان خوراک دام با افزایش میزان محصول افزوده می‌گردد (فروغ عامری، ۱۳۷۶). با توجه به امکان استفاده از این فرآورده‌ها در تغذیه دام‌ها، جا دارد که سیستم‌های خوراک دهی دامداری‌ها جهت در بر گرفتن این گونه مواد توسعه یابند. در این صورت علاوه بر تأمین مقادیر زیادی خوراک، به دلیل قیمت نسبتاً ارزان این فرآورده‌ها هدف دیگری از تغذیه صحیح دام یعنی کاهش هزینه نیز محقق خواهد شد (شماغ و همکاران، ۱۳۷۱). فرآورده‌های فرعی کشاورزی که در روی زمین باقی مانده و استفاده نکردند اغلب در معرض تهاجمات باکتری‌ها، کپک‌ها و قارچ‌های مخرب قرار گرفته و می‌تواند آلودگی زیست محیطی بوجود آورد که در صورت مصرف آن‌ها این مشکل حل می‌گردد (خیام نکویی و همکاران، ۱۳۸۹).

شناسایی ارزش غذایی و قابلیت هضم محصولات فرعی کشاورزی که می‌توانند در تغذیه دام کاربرد داشته باشند از اهمیت بالایی برخوردار است و بدون اطلاع از نیازهای غذایی دام‌ها و همچنین ارزش غذایی خوراک‌ها هر گونه برنامه‌ریزی جهت افزایش تولیدات دامی امکان پذیر نمی‌باشد. در مطالعه‌ای با مقایسه بقایای گلاب‌گیری و یونجه مشخص شد که میزان ماده خشک، پروتئین خام، چربی خام و خاکستر خام بقایای گلاب‌گیری کمتر از یونجه است در حالی که مقدار دیواره سلولی، دیواره سلولی بدون همی سلولز و لیاف خام از یونجه بیشتر است و تفاوت معنی‌داری ($P < 0.05$) بین آن‌ها وجود داشت (دیانی و ثابت پی، ۱۳۸۷). تغذیه تفاله خشک گل محمدی به عنوان یک فرآورده فرعی در تغذیه گوسفندان سبب کاهش میانگین مصرف ماده آلی قابل هضم گردید. همچنین میانگین قابلیت هضم پروتئین خام در تمام

۱۰۰ میلی لیتر آب)، به هر لیتر بزاق مصنوعی (بافر) اضافه گردید و با وارد کردن گاز دی اکسید کربن به مدت ۱۵-۱۰ دقیقه pH محلول به ۷-۶/۹ تقلیل یافت. سپس بافر و شیرابه شکمبه صاف شده به نسبت ۴ حجم بزاق و ۱ حجم شیرابه مخلوط و به محلول حاصل ۵-۴ دقیقه گاز CO_2 تزریق گردید. به هر یک از ارلن های حاوی نمونه ها ۵۰ میلی لیتر از محلول حاصل اضافه گردید و به مدت ۱۵ ثانیه گاز دی اکسید کربن به محتویات هر ارلن تزریق شد. در ارلن ها گذاشته شده و به مدت ۴۸ ساعت در دمای ۳۹ درجه سانتی گراد انکوباتور شد. روزانه ۳ بار ارلن های حاوی محتویات هضم بی هوازی با حرکات چرخشی کاملاً به هم زده شد. در هر مرحله از آزمایش ۳ ارلن به عنوان شاهد که فاقد نمونه بود مورد انکوباسیون قرار گرفت. در پایان مرحله هضم بی هوازی، به هر یک از ارلن ها ۶ میلی لیتر اسید کلریدریک ۲۰ درصد در سه مرحله (به ترتیب ۱، ۱ و ۴ میلی لیتر) اضافه گردید. سپس ۲ میلی لیتر پپسین ۵ درصد نیز اضافه گردید، و به مدت ۴۸ ساعت دیگر در انکوباتور با دمای ۳۹ درجه سانتی گراد نگهداری گردید. در طول این مرحله نیز روزانه ۳ بار محتویات ارلن ها با حرکات چرخشی به هم زده شد.

در پایان دو مرحله هضم، مواد خوراکی هضم نشده بر روی کاغذ صافی واتمن بدون خاکستر تخلیه گردید. کاغذ صافی به همراه مواد خوراکی هضم نشده روی آن به مدت ۲۴ ساعت در آون با حرارت ۱۰۰ درجه سانتی گراد قرار گرفت و با کم کردن وزن خشک کاغذ صافی از وزن مجموع کاغذ صافی و نمونه، مواد خوراکی هضم نشده محاسبه گردید. همچنین وزن خاکستر بقایای هضم با قرار دادن نمونه ها به مدت ۸ ساعت در کوره الکتریکی با دمای ۵۵۰ درجه سانتی گراد تعیین گردید. پس از جمع آوری داده ها، قابلیت هضم ماده خشک، ماده آلی، ماده آلی در ماده خشک و انرژی متابولیسمی هر یک از نمونه ها محاسبه گردید (تیلی و تری، ۱۹۶۳).

اندازه گیری تولید گاز در شرایط آزمایشگاهی

در این روش ابتدا مواد خوراکی توسط آسیاب با قطر منافذ ۲ میلی متری به صورت یکنواخت آسیاب شدند. مقدار ۳۰۰ میلی گرم از هر ماده خوراکی آسیاب شده با دقت توزین و به داخل شیشه های سرم استریل ۵۰ میلی لیتری منتقل گردید (فدوراک و هرودی، ۱۹۸۳). برای هر نمونه ماده غذایی ۳ تکرار در نظر گرفته شد و به منظور جمع آوری مایع شکمبه ۲ ساعت پس از وعده خوراک صبحگاهی از دو رأس گوساله دارای فیستولای شکمبه ای استفاده شد و این حیوانات با یک

جیره غذایی در سطح نگه داری تغذیه شدند. مایع شکمبه جمع آوری شده با چهار لایه صاف شد و در داخل فلاسک حاوی گاز دی اکسید کربن سریعاً به آزمایشگاه منتقل گردید. پیش از انتقال مایع شکمبه به داخل شیشه های سرم، مایع شکمبه با بافر تهیه شده به روش مکدوگال (۱۹۴۸) به نسبت ۲ به ۱ مخلوط شد. در مرحله انتقال بافر و مایع شکمبه از ارلن به شیشه های سرم جریان مداوم گاز دی اکسید کربن به ارلن که بر روی هیتر ۳۹ درجه سانتی گراد قرار داشت تزریق گردید و در هر شیشه حاوی تیمارهای آزمایشی مقدار ۲۰ میلی لیتر مخلوط مایع شکمبه و بافر افزوده شد. پس از بی هوازی نمودن داخل شیشه با تزریق گاز دی اکسید کربن در شیشه ها توسط درپوش پلاستیکی و پرس فلزی به طور محکم بسته و به منظور تصحیح گاز تولیدی با منشاء مایع شکمبه تعداد ۳ شیشه بدون نمونه در نظر گرفته شد. کل شیشه ها جهت اندازه گیری گاز تولیدی به داخل دستگاه انکوباتور شیکردار با ۱۲۰ دور در دقیقه و در دمای ۳۹ درجه سانتی گراد منتقل شد و عمل قرائت و ثبت میزان گاز تولیدی ناشی از تخمیر نمونه ها در زمان های ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۲، ۲۴، ۳۶، ۴۸، ۷۲ و ۹۶ ساعت پس از انکوباسیون انجام گرفت. حجم گاز تولیدی بر اساس وزن نمونه ها در هر زمان با استفاده از رابطه زیر تصحیح گردید:

$$V = (V_t - V_b) \times 1000 / W$$

در این رابطه: V = حجم گاز تصحیح شده بر حسب میلی لیتر به ازای هر گرم ماده خشک، V_t = حجم گاز تولیدی در شیشه های حاوی نمونه ماده خوراکی بر حسب میلی لیتر، V_b = حجم گاز تولید شده در شیشه های فاقد نمونه ماده خوراکی بر حسب میلی لیتر، W = وزن نمونه ماده غذایی بر حسب میلی گرم ماده خشک بود.

برای تخمین فراسنجه های کنیتیک تولید گاز از معادله $P = b(1 - e^{-ct})$ استفاده شد (اورسکوف و مک دونالد، ۱۹۷۹). در این رابطه: P میزان گاز تولید شده در زمان t ، b تولید گاز از بخش نامحلول با پتانسیل تخمیر پس از ۹۶ ساعت، c ثابت نرخ تولید گاز برای بخش b (میلی لیتر در ساعت) و t زمان انکوباسیون (ساعت) می باشد، که با استفاده از نرم افزار *Fitcurve* محاسبه شد. همچنین از روابط زیر برای برآورد انرژی متابولیسمی و قابلیت هضم ماده آلی استفاده شد (منک و همکاران، ۱۹۷۹).

$$2/20 + 0/136 \times GP + 0/057 \times CP + 0/029 \times CF^2 = \text{انرژی قابل متابولیسمی (MJ/kgDM)}$$

در این رابطه: NVI : شاخص ارزش غذایی، a = بخش سریع تجزیه شونده، b = بخش کند تجزیه شونده و c = ثابت نرخ تجزیه بود.

تجزیه آماری

این آزمایش در قالب طرح آماری کاملاً تصادفی انجام شد و اطلاعات به دست آمده با نرم افزار آماری SAS (۲۰۰۳) مورد تجزیه آماری قرار گرفت. میانگین‌ها با استفاده از آزمون T -test مورد مقایسه قرار گرفتند. مدل آماری مورد استفاده برای فراسنجه‌های مورد بررسی $Y_{ij} = \mu + t_i + e_{ij}$ بود. در این معادله Y_{ij} : مقدار هر مشاهده، μ : میانگین کل، t_i : اثر تیمار و e_{ij} : خطای آزمایشی بود.

نتایج و بحث

ترکیب شیمیایی

ترکیب شیمیایی علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی در جدول ۱ آورده شده است. میزان پروتئین خام علوفه یونجه به طور معنی‌داری ($P < 0.05$) بیشتر از سرشاخه گل محمدی بود. به جز گیاهانی که برگ آن‌ها بسیار فیبری است، گیاهانی که دارای تراکم زیاد برگ در سرشاخه‌ها می‌باشند، میزان پروتئین خام بالاتری دارند. برای مثال میانگین پروتئین سرشاخه تاغ (تکاسی، ۱۳۸۸) سرشاخه کهور، آکاسیا (عسکری، ۱۳۸۳) سرشاخه خرما باقری، گنتار و شیخالی (صلاحی و همکاران، ۱۳۹۰) به ترتیب ۷/۹۲، ۱۰/۱۶، ۱۶/۶، ۷/۰۱ و ۷/۷۸ و ۷/۳۳ درصد بود.

میانگین الیاف نامحلول در شوینده خنثی و اسیدی برای علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر داشتند ($P < 0.01$). اختلافات مشاهده شده بین الیاف نامحلول در شوینده خنثی و اسیدی گیاهان مختلف می‌تواند مربوط به خصوصیات گونه گیاه باشد.

$$GP = 14/88 + 0/889 \times GP + 0/45 \times CP + 0/0651 \times XA \quad (\text{درصد قابلیت هضم ماده آلی})$$

در این روابط GP گاز تولید شده از ۲۰۰ میلی گرم نمونه پس از ۲۴ ساعت انکوباسیون، CP درصد پروتئین خام، CF درصد چربی خام و XA درصد خاکستر در نمونه‌ها می‌باشد.

تعیین تجزیه پذیری به روش *in situ*

میزان تجزیه‌پذیری ماده خشک، پروتئین خام، الیاف نامحلول در شوینده خنثی و ماده آلی نمونه‌ها با استفاده از روش کیسه‌های نایلونی تعیین گردید و برای هر خوراک پنج تکرار در نظر گرفته شد. به این منظور از سه رأس گوسفند نر کرمانی با میانگین وزنی $50 \pm 1/5$ کیلوگرم استفاده شد که این گوسفندان دارای فیستولای شکمبه‌ای بودند و روزانه ۷۵۰ گرم علوفه (شامل کاه گندم و علوفه یونجه) و ۲۵۰ گرم کنسانتره در دو وعده در ساعات ۸ و ۱۷ دریافت می‌کردند. این جیره آزمایشی به مدت دو هفته به منظور عادت‌پذیری به حیوان داده شد. حیوانات به صورت انفرادی نگهداری می‌شدند و آب در طول دوره آزمایش به صورت آزاد در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت. با استفاده از رابطه پیشنهادی اورسکوف و مکدونالد (۱۹۷۹) تجزیه‌پذیری بر حسب درصد در زمان‌های ۳، ۶، ۱۲، ۲۴، ۳۶، ۴۸، ۷۲ و ۹۶ ساعت انکوباسیون نمونه در شکمبه محاسبه گردید.

$$P = a + b(1 - e^{-ct})$$

در این رابطه: p = پتانسیل تجزیه‌پذیری، a = بخش سریع تجزیه شونده، b = بخش کند تجزیه شونده، c = ثابت نرخ تجزیه و t = زمان انکوباسیون نمونه‌ها در شکمبه (ساعت) بود.

به منظور برآورد مؤلفه‌های تجزیه‌پذیری ماده خشک و الیاف نامحلول در شوینده خنثی نمونه‌ها از نرم افزار *Fitcurve* استفاده شد. تجزیه‌پذیری مؤثر نمونه‌ها با استفاده از معادله‌ی $ED = a + [(b \times c)/(c + k)]$ و با در نظر گرفتن نرخ خروجی ۰/۰۲، ۰/۰۴، ۰/۰۶ و ۰/۰۸ در ساعت محاسبه شد (ون زانت و همکاران، ۱۹۹۸). اجزای این رابطه عبارتند از: ED = تجزیه‌پذیری مؤثر، a = بخش سریع تجزیه شونده، b = بخش کند تجزیه شونده، c = ثابت نرخ تجزیه و k = نرخ خروج بود.

شاخص ارزش غذایی علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی با استفاده از فرمول پیشنهادی اورسکوف و مک دونالد (۱۹۷۹) محاسبه شد.

$$NVI = a + 0.4b + 200c$$

جدول ۱- ترکیبات شیمیایی علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی (بر اساس ماده خشک) ($n=3$)

ترکیب شیمیایی (درصد)	علوفه یونجه	سرشاخه گل محمدی	SEM	سطح معنی داری
ماده خشک	۹۴/۴۷	۹۴/۸۱	۰/۳۱	۰/۵۲
ماده آلی	۹۱/۵۸	۹۲/۶۶	۱/۱۱	۰/۰۴
پروتئین خام	۱۱/۴۰	۹/۷۰	۰/۲۲	۰/۰۰۶
الیاف نامحلول در شوینده خنثی (NDF)	۵۵/۸۰	۳۴/۲۸	۰/۹۰	۰/۰۰۰۱
الیاف نامحلول در شوینده اسیدی (ADF)	۴۰/۶۹	۲۳/۱۴	۰/۳۴	۰/۰۰۰۱
چربی خام	۱/۶۲	۱/۷۱	۰/۰۶	۰/۰۳
خاکستر خام	۸/۴۲	۷/۳۴	۰/۱۴	۰/۰۳

قابلیت هضم

نتایج مربوط به میانگین قابلیت هضم ماده خشک، ماده آلی، ماده آلی در ماده خشک و انرژی متابولیسمی علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی در جدول ۲ آورده شده است. اختلاف بین مقادیر قابلیت هضم ماده خشک، ماده آلی و ماده آلی در ماده خشک علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی معنی دار بود ($P<0/05$). با توجه به میزان NDF و ADF سرشاخه گل محمدی که به ترتیب ۳۴/۲۸ و ۲۳/۱۴ درصد و میزان NDF و ADF یونجه که به ترتیب ۵۵/۸۰ و ۴۰/۴۹ درصد بود می توان بیان داشت که کمتر بودن NDF و ADF سرشاخه گل محمدی نسبت به یونجه سبب گردیده که میزان قابلیت هضم ماده خشک، ماده آلی و ماده آلی در ماده خشک سرشاخه گل محمدی نسبت به قابلیت هضم ماده خشک، ماده آلی و ماده آلی در ماده خشک یونجه بیشتر باشد. همچنین علوفه یونجه که برداشت آن در چین های آخر و در مرحله پایان گلدهی انجام گرفت می تواند با توجه به افزایش بخش های الیافی گیاه و کاهش در اجزا محلول سبب کاهش قابلیت هضم آن نسبت به سرشاخه گل محمدی گردد. قابلیت هضم بخش های مختلف گیاه با افزایش مرحله رشد کاهش می یابد، زیرا لیگنینی شدن دیواره سلولی مانع از عمل آنزیم ها بر محتویات داخل سلول گیاهی می شود (چرچ، ۱۹۸۸). مطابق با نتایج تحقیق حاضر پینکرتون (۱۹۹۶) پیشنهاد داد که قابلیت هضم علوفه رابطه مستقیمی با ویژگی های دیواره

سلولی دارد، زیرا محتویات درون سلول گیاهی را می توان تا ۱۰۰ درصد هضم پذیر دانست که حتی با بالا رفتن سن گیاه، تغییری در قابلیت هضم آن به وجود نمی آید، در حالی که با افزایش محتویات دیواره سلولی از میزان قابلیت هضم گیاهان کاسته می شود.

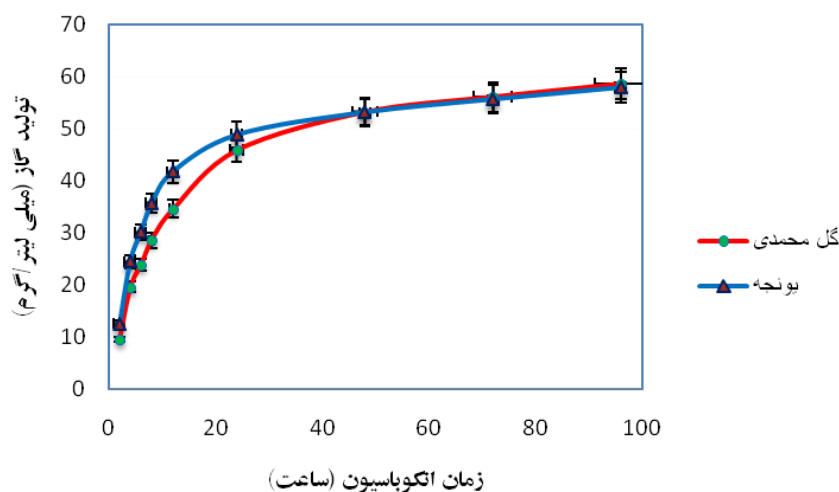
جدول ۲- قابلیت هضم و انرژی متابولیسمی (بر اساس ماده خشک) (n=۵)

فراسنجه ها	علوفه یونجه	سرشاخه گل محمدی	SEM	سطح معنی داری
قابلیت هضم ماده خشک (درصد)	۴۴/۲۹	۵۳/۳۰	۵/۶۸	۰/۰۳
قابلیت هضم ماده آلی (درصد)	۴۸/۸۶	۵۲/۳۶	۴/۶۷	۰/۰۴
قابلیت هضم ماده آلی در ماده خشک (درصد)	۴۴/۵۷	۴۷/۹۵	۴/۲۷	۰/۰۳
انرژی متابولیسمی (مگا کالری در کیلوگرم ماده خشک)	۱/۵۷	۱/۸۹	۰/۰۸	۰/۰۲

گاز تولید شده، قابلیت هضم ماده آلی و انرژی

متابولیسمی به روش آزمایشگاهی

نمودار ۱ نشان می‌دهد که در زمان‌های انکوباسیون ۲ تا ۲۴ ساعت حجم گاز تولیدی علوفه یونجه نسبت به سرشاخه گل محمدی به طور معنی‌داری بیشتر بود ($P < 0.05$). با توجه به بالا بودن گاز تولیدی علوفه یونجه نسبت به سرشاخه گل محمدی در شرایط آزمایشگاهی این مطلب بیانگر بالا بودن انرژی متابولیسمی و همچنین نیتروژن قابل تخمیر و سایر مواد مغذی لازم برای فعالیت میکروارگانیسم‌ها می‌باشد. همچنین بخشی از بالا بودن میزان گاز تولیدی در تخمیر علوفه یونجه نسبت به سرشاخه گل محمدی به واسطه بالا



نمودار ۱- میانگین گاز تولید شده در زمان‌های مختلف انکوباسیون

تجزیه پذیری ماده خشک

بیشترین میزان تجزیه‌پذیری سرشاخه گل محمدی و علوفه یونجه پس از ۴۸ ساعت انکوباسیون انجام شد (جدول ۳). پس از این مدت، مقدار سوپسترای قابل دسترس برای میکروارگانیسم‌ها کاهش یافته و در نتیجه سرعت رشد باکتری‌های درون کیسه افت نموده و سرعت تجزیه‌پذیری

ماده خشک کاهش می‌یابد. منصور و همکاران (۱۳۸۲) با تعیین میزان تجزیه پذیری علوفه خشک یونجه، علف نی و کاه گندم به نتایج مشابه دست یافتند.

بخش‌های a ، b و $a+b$ حاصل از تجزیه پذیری ماده خشک سرشاخه گل محمدی بیشتر از علوفه خشک یونجه می‌باشد. نرخ ثابت تجزیه (C) نیز برای علوفه یونجه و سر

شاخه گل محمدی به ترتیب ۰/۰۷ و ۰/۰۳ بود. مقدار ثابت تجزیه C بیانگر این است که در هر ساعت تنها ۰/۰۷ و ۰/۰۳ درصد از قسمت b ماده خشک این خوراکها در ساعت تجزیه شده است دلیل آن با توجه به میزان NDF و ADF علوفه خشک یونجه که به ترتیب ۵۵/۸ و ۴۰/۶۹ درصد و NDF و ADF سرشاخه گل محمدی که به ترتیب ۳۴/۲۸ و ۲۳/۱۴ درصد تعیین شد احتمالاً می‌تواند به خاطر پایین تر بودن

بخش کربوهیدرات‌های ساختمانی در سرشاخه گل محمدی نسبت به علوفه خشک یونجه باشد. میزان بخش محلول در آب تحت تأثیر ساختمان فیزیکی گیاه، میزان الیاف نامحلول در شوینده خنثی، الیاف نامحلول در شوینده اسیدی و ترکیبات دیگر است، به طوری که با افزایش بخش فیبری گیاه، میزان اجزای محلول آن کاهش می‌یابد (گریفین و همکاران، ۱۹۹۴).

جدول ۳- تجزیه پذیری ماده خشک علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی (درصد)

زمان‌های انکوباسیون	علوفه یونجه	سرشاخه گل محمدی	SEM	سطح معنی داری
صفر	۱۲/۵۵	۱۱/۱۱	۱/۵۸	۰/۵۸
۳	۳۴/۱۳	۳۴/۵۸	۰/۷۹	۰/۷۲
۶	۳۸/۵۱	۳۷/۲۰	۰/۶۸	۰/۳۲
۱۲	۴۴/۲۹	۴۲/۰۴	۰/۵۵	۰/۰۵
۲۴	۴۹/۳۷	۴۷/۸۴	۱/۹۵	۰/۶۲
۳۶	۵۴/۵۱	۵۵/۰۴	۲/۶۷	۰/۹۰
۴۸	۶۲/۲۰	۷۲/۸۴	۱/۶۷	۰/۰۱
۷۲	۶۴/۴۲	۷۳/۹۸	۲/۰۹	۰/۰۲
۹۶	۶۶/۴۲	۷۴/۴۲	۱/۰۱	۰/۰۰۰۵
مؤلفه‌های تجزیه پذیری (درصد)				
a	۱۹/۵۵	۲۱/۹۷	۱/۱۰	۰/۲۵
b	۴۳/۹۷	۶۴/۲۹	۱/۰۷	۰/۰۰۰۳
a+b	۶۳/۵۲	۸۶/۲۶	۱/۱۸	۰/۰۰۰۲
C	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۲
تجزیه پذیری مؤثر (ED)				
$K=۰/۰۲$	۵۳/۲۳	۵۸/۴۱	۱/۲۰	۰/۵۱
$K=۰/۰۴$	۴۶/۹۵	۴۷/۴۲	۱/۲۰	۰/۸۱
$K=۰/۰۶$	۴۲/۶۸	۴۱/۵۲	۱/۱۱	۰/۵۳
$K=۰/۰۸$	۳۹/۵۷	۳۷/۸۵	۱/۰۰	۰/۳۲
NVI	۵۰/۸۵	۵۲/۹۴	۰/۹۹	۰/۲۱

a: بخش سریع تجزیه شونده، b: بخش کند تجزیه شونده، a+b: بخش تجزیه شونده، c: ثابت نرخ تجزیه، ED: تجزیه پذیری

مؤثر ماده خشک محاسبه شده با نرخ عبور ۲، ۴، ۶ و ۸ درصد در ساعت و NVI: شاخص ارزش غذایی

$$NVI = a + 0.4b + 200c$$

تجزیه پذیری الیاف نامحلول در شوینده خنثی

نتایج مربوط به تجزیه پذیری الیاف نامحلول در شوینده خنثی در جدول ۴ آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد که تجزیه پذیری الیاف نامحلول در شوینده خنثی سرشاخه گل محمدی در زمان‌های مختلف انکوباسیون در شکمبه بیشتر

از علوفه یونجه بود. و در ساعت‌های ۴۸، ۷۲ و ۹۶ بین آن‌ها اختلاف معنی داری مشاهده شد ($P < 0.05$). تجزیه پذیری مناسب الیاف نامحلول در شوینده خنثی در شکمبه به دلیل تأثیر بر جمعیت میکروارگانیسم‌های شکمبه و خوراک مصرفی حیوان بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است (NRC، ۲۰۰۱).

همچنین وینتر هولر و همکاران (۲۰۰۹) میانگین بخش سریع تجزیه شونده (بخش a) الیاف نامحلول در شوینده‌ی خنثی علوفه خشک یونجه، ۶/۷۷ درصد و برای سرشاخه گل محمدی ۸/۰۷ درصد تعیین شد که اختلاف معنی‌داری نداشتند. بخش کند تجزیه شونده (بخش b) علوفه یونجه با ۴۲/۵۰ درصد از سرشاخه گل محمدی با ۶۷/۰۲ درصد کمتر بود و اختلاف بین آن‌ها معنی‌دار بود ($P < ۰/۰۵$). وینتر هولر و همکاران (۲۰۰۹) گزارش کردند که بین میزان تجزیه پذیری الیاف نامحلول در شوینده خنثی و میزان بخش کند تجزیه شونده (b) رابطه مثبتی وجود دارد. با توجه به بالا بودن بخش

سریع تجزیه شونده سرشاخه گل محمدی می‌توان بیان داشت که با افزایش میزان مواد محلول در آب انرژی بیشتری برای میکروارگانیسم‌های شکمبه فراهم شده و در نتیجه رشد و فعالیت این میکروارگانیسم‌ها بیشتر می‌شود و در نتیجه تجزیه پذیری بیشتر می‌گردد.

شاخص ارزش غذایی علوفه خشک یونجه و سرشاخه گل محمدی از لحاظ آماری متفاوت نبود چون مؤلفه‌های تجزیه پذیری a و c که در محاسبه شاخص ارزش غذایی استفاده می‌شوند در این دو نمونه خوراکی یکسان بودند.

جدول ۴- تجزیه پذیری الیاف نامحلول در شوینده خنثی علوفه یونجه و سرشاخه گل محمدی (درصد)

زمان‌های انکوباسیون	علوفه یونجه	سرشاخه گل محمدی	SEM	سطح معنی‌داری
صفر	۰/۸۸	۱/۴۴	۰/۲۰	۰/۱۲
۳ ساعت	۱۴/۹۵	۱۶/۹۶	۱/۹۸	۰/۵۳
۶ ساعت	۱۹/۴۲	۱۹/۶۷	۱/۷۲	۰/۹۳
۱۲ ساعت	۲۳/۹۱	۲۳/۹۹	۱/۴۳	۰/۹۷
۲۴ ساعت	۲۸/۴۳	۳۰/۶۹	۱/۷۸	۰/۴۵
۳۶ ساعت	۳۲/۹۳	۳۹/۳۷	۲/۳۴	۰/۱۳
۴۸ ساعت	۴۳/۱۷	۵۳/۰۶	۲/۲۵	۰/۰۴
۷۲ ساعت	۴۵/۶۱	۶۰/۰۸	۲/۵۹	۰/۰۲
۹۶ ساعت	۴۸/۵۰	۶۴/۸۳	۲/۲۰	۰/۰۰۷
مؤلفه‌های تجزیه پذیری (درصد)				
a	۶/۷۷	۸/۰۷	۰/۹۴	۰/۳۹
b	۴۲/۵۰	۶۷/۰۲	۳/۵۸	۰/۰۱
$a+b$	۴۹/۲۷	۷۵/۱۰	۴/۰۶	۰/۰۱
c	۰/۰۳۹	۰/۰۲۱	۰/۰۰۶	۰/۱۴
تجزیه پذیری مؤثر (ED)				
$K=۰/۰۲$	۳۳/۸۸	۴۱/۸۲	۱/۴۹	۰/۰۳
$K=۰/۰۴$	۲۶/۸۷	۳۰/۶۸	۱/۳۴	۰/۱۳
$K=۰/۰۶$	۲۲/۷۸	۲۵/۰۸	۱/۲۵	۰/۲۸
$K=۰/۰۸$	۲۰/۱۰	۲۱/۷۰	۱/۱۶	۰/۴۱
NVI	۳۱/۵۷	۳۹/۰۸	۱/۰۵	۰/۲۱

a : بخش سریع تجزیه شونده، b : بخش کند تجزیه شونده، $a+b$: بخش تجزیه شونده، c : ثابت نرخ تجزیه، ED : تجزیه پذیری مؤثر ماده خشک محاسبه شده با نرخ عبور ۲، ۴، ۶ و ۸ درصد در ساعت و NVI : شاخص ارزش غذایی.

$$NVI = a + ۰/۴b + ۲۰c$$

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ترکیب شیمیایی سرشاخه‌های گل محمدی با بسیاری از خوراک‌های رایج در جیره نشخوارکنندگان قابل مقایسه است. همچنین قابلیت هضم و کینتیک تجزیه‌پذیری سرشاخه‌های گل محمدی با یونجه برابری می‌کند بنابراین سرشاخه گل محمدی با توجه به ترکیب شیمیایی و کینتیک هضم و تجزیه‌پذیری شکمبه‌ای

دارای پتانسیل تغذیه‌ای مناسب برای جایگزینی بخشی از علوفه خشک یونجه به منظور تأمین قسمتی از نیازهای غذایی دام در بعضی از نقاط کشور مناسب می‌باشد. لذا، با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد که سطوح مختلف سرشاخه گل محمدی در جیره انواع نشخوارکنندگان و عملکرد آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و ترکیبات ضد تغذیه‌ای احتمالی

تشکر و قدردانی

این مقاله حاصل طرح تحقیقاتی در دانشگاه شهید باهنر کرمان می‌باشد که در غالب پایان نامه کارشناسی ارشد انجام شده است. بدین وسیله از همکاری و مساعدت بخش علوم دامی دانشگاه شهید باهنر کرمان در انجام این طرح، تشکر و قدردانی می‌شود.

آن شناسایی گردد. همچنین لازم است مطالعات زیادی در رابطه با عمل‌آوری و کاربردی کردن این محصول فرعی برای وارد کردن آن به چرخه خوراک دام صورت پذیرد و اثرات این منبع خوراکی بر سلامتی و توان تولیدی دام‌های مختلف کشور در سطوح مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد.

منابع

- آذرزمزم، م.، غلامی، ح.، فروغ عامری، ن.، ذبیح‌الله‌زاده سماکوش، ع. ۱۳۸۹. تعیین ارزش غذایی بقایای آفتابگردان در تغذیه دام. گزارش نهایی. مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان.
- تکاسی، م. و.، فروغ عامری، ن.، ذبیح‌الله‌زاده، ع. و غلامی، ح. تعیین ارزش غذایی سرشاخه‌های تاغ استان کرمان. ۱۳۸۸. گزارش نهایی. مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان.
- خیام نکویی، س. م.، بی‌آزار، ا. و صالحی جوزانی، غ. ۱۳۸۹. فناوری نانو در علوم کشاورزی. انتشارات پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی. ص. ۱۱۴.
- دیانی، ا. و ثابت پی، م. ۱۳۸۷. تعیین ارزش غذایی بقایای گلاب‌گیری. سومین کنگره علوم دامی. ص. ۶۷۵.
- سیدمومن، س. م.، زاهدی‌فر، م.، صالحی، م. و فروغ عامری، ن. ۱۳۸۳. مطالعه اثر سطوح مختلف بقایای پوست‌گیری پسته و تانن موجود در آن بر رشد بدن و تولید کرک بز راینی. گزارش نهایی. مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان.
- شماغ، م.، ساعدی، ه.، نیکپور تهرانی، ک. و مروارید، ع. ۱۳۷۱. غذاهای دام و طیور و روش‌های نگه‌داری آن‌ها (اصول تغذیه دام و طیور) انتشارات دانشگاه تهران.
- صلاحی، ا.، ولی‌زاده، ر.، ناصریان، ع.، طهماسبی، ع. و ابیانه، م. ۱۳۸۹. مقایسه فراسنجه‌های حاصل از تولید گاز برگ تعدادی از واریته‌های خرمای ایران با علف خشک یونجه در شرایط برون‌تنی. چهارمین کنگره علوم دامی.
- عسکری، ف. ۱۳۸۳. ارزش غذایی سرشاخه و میوه دو گونه مرتعی کهور و آکاسیای چتری. اولین کنگره علوم دامی.
- فروغ عامری، ن. ۱۳۷۶. تعیین ارزش غذایی و قابلیت هضم پوسته نرم رویی پسته به صورت خشک و سیلو شده پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه صنعتی اصفهان.
- فضائلی، ح. و زاهدی‌فر، م. ۱۳۸۴. ارزش غذایی بقایای گلاب‌گیری با نسبت‌های مختلف یونجه خشک در تغذیه گوسفند. دومین سمینار گوسفند و بز. ص. ۹۵.
- منصوری، ه.، نیکخواه، ع.، رضاییان، م.، مرادی، م. و میرهادی، س. ا. ۱۳۸۲. تعیین میزان تجزیه‌پذیری علوفه با استفاده از روش تولید گاز و کیسه‌های نیلونی. مجله علوم کشاورزی ایران. شماره ۲. صفحات: ۴۹۶-۵۰۷.
- Association of Official Analytical Chemist. 2000. *Official Methods of Analysis*. 17th ed. Washington D. C. U.S.A.
- Church, D.C. 1988. *The ruminant animal digestive physiology and nutrition*. 2ed. by prentice hall. U.S.A: 182-200.
- Fedorak, P. M. and D. E. Hurdy. 1983. *A simple apparatus for measuring gas production by methanogenic cultures in serum bottles*. Environmental Technology leu. 4: 425-432.
- Griffin, T. S. Cassida, K. A. Hesterman, O. B. and Rust, S. R. 1994. *Alfalfa maturity and cultivar effects on chemical and in situ estimates of protein degradability*. Crop Science. 34:1654-1661.
- Larbi, A. Smith, J. W. Adekunle, I. O. Raji, A. M. and Ladipo, D. O., 1998. *Chemical composition, rumen degradation, and gas production characteristics of some multipurpose fodder trees and shrubs during wet and dry seasons in humid tropics*. Animal. Feed Science and Technology. 72: 81-96.
- McDougall, E. I., 1948. *Studies on ruminant saliva, 1. The composition and output of sheep's saliva*. Biochemical Journal. 43: 99-109.
- Menke, K. H., Raab, L., Salewski, A., Steingass, H., Fritz, D. & Schneider, W., 1979. *The estimation of the digestibility and metabolizable energy content of ruminant feedstuffs from the gas production when they are incubated with rumen liquor in vitro*. Journal of Agricultural Science Cambridge, 93, 217-222.
- National Research Council. 2001. *Nutrient Requirements of Dairy Cattle*. Seventh Revised Edition. National Academy Press., Washington DC.
- Neway Excel User Manual. 1995. International feed Resources Unit, MLURI, Aberdeen, UK.
- Orskov, E. R and McDonald, P., 1979. *The estimation of protein digestibility in the rumen from incubation measurements weighed according to rate of passage*. Journal of Agricultural Science Cambridge. 92: 499-503.

- Pinkerton, B., 1996. *Forage Quality, Crop and Soil. Environment Science Collage of Agriculture. Forest & Life Science, Clemenson University.*
- SAS Institute, Inc. 2005. *SAS Procedure Guide. Version 8. SAS Institute, Inc, Cary, NC, 1643 pp.*
- Singh, B., M. P. Narang. 1991. *Some physico-chemical characteristics of forages and their relationships to digestibility. Indian Journal of Animal Nutrition. 8:179-186.*
- Tilley, Y. M. A. and. Terry, R. A. A., 1963. *A two stage technique for the in vitro digestion of forage crops. Journal of Britain Grassland Society. 18: 104-111.*
- Van Soest, P. J., Robertson, J. B., and Lewis, B. A., 1991. *Methods for dietary fiber, neutral detergent fiber, and nonstarch polysaccharides in relation to animal nutrition. Journal of Dairy Science. 74: 3583-3597.*
- Winterholler, S.J., Lalman, D.L., Dye, T.K., McMurphy, C. P. and Richards, C.J., 2009. *Summing low-quality forage in situ ruminal degradation characteristics of by-product feedstuffs for beef cattle. Journal of Animal Science. 87(9): 2996-3002.*

Evaluating of chemical composition and nutritive value of rose branches and alfalfa hay by *in situ* and *in vitro* methods

M.R. Azarzamzam¹, O. Dayani², R. Tahmasbi^{3*} and A. Khezri³

Submitted: 1 June 2024

Accepted: 15 July 2025

1- MSc Student, Faculty of Agriculture, Shahid Bahonar University of Kerman

2- Associate Professor, Department of Animal Science, Faculty of Agriculture, Shahid Bahonar University of Kerman

3- Assistant Professor, Department of Animal Science, Faculty of Agriculture, Shahid Bahonar University of Kerman

*E-Mail:reza.tahmasbi@gmail.com

Abstract

This study was conducted to determine chemical composition, physical characteristics, digestibility, degradability and nutritional value of rose branches and alfalfa hay using *in vitro* and *in situ* techniques. Data were analysed by using t-test. Organic matter (OM), neutral detergent fiber (NDF) and ether extract of rose branches were significantly different from alfalfa hay ($P<0.05$). Effective degradability of dry matter (DM), OM and NDF of rose branches were not significantly higher than alfalfa hay. Digestibility of DM and OM of rose branches (53.30 and 52.36 percent, respectively) were not significantly higher than alfalfa hay (48.86 and 44.29 percent, respectively). Twenty four hours after incubation, gas production volume for rose branches was significantly higher compared to alfalfa hay ($P<0.05$). Moreover, soluble ash of rose branches was different from alfalfa hay ($P<0.05$). In conclusion, based on chemical composition, digestion kinetics and degradation data of rose branches, it can be used as a suitable forage source for partial replacement of alfalfa hay in animal ration.

Keywords: Alfalfa hay, Rose branches, Degradability, Digestibility, Physical characteristics